لا قوۃ الا باللہ
از تصانیف شاہ اہل اللہ برادر شاہ ولی اللہ رحمہما اللہ نسخہ نایاب مسمی بہ
چہار باب
بفرمائش تاجران ... فقیر اللہ و عبد العزیز باہتمام اللہ داد عرف ... مہتمم مطبع
در مطبع محمدی واقع ... لاہور مطبوع گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله واصحابه اجمعین اما بعد
این رساله ایست مشتمل بر چهار باب **باب اول** در بیان عقائد که بر هر مسلمان دانستن
آن لازم است **باب دوم** در بیان آنچه عمل کردن آن فرض یا واجب یا سنت
یا مستحب است چنانچه احکام نماز و روزه و حج و زکوة وغیر ذلک **باب سوم**
در بیان فضائل اعمال که اکمال اسلام بدان تعلق دارد **باب چهارم** در بیان بعضی
از نصایح و حکم عامه که مردمان را نافع باشد **باب اول در بیان عقائد اهل
سنت و جماعت** **عقیده** باید دانست که عالم بجمیع اجزای خویش
حادث و نو پیدا است یعنی نبود بعد از آن پیدا شده و هر پیدا شونده را پیدا کننده
لازم است و پیدا کننده عالم الله تعالی است که بیچون و بیچگون و بی شبیه است و
بی نمون نه جسم است نه جوهر نه عارض است نه عرض نه معدود است نه محدود نه جزو است
نه کل نه در جایی است نه در مکان نه اورا کسی نظیر است نه معین نه ویرا ضد است نه ند
و پاکیزه است از جمیع سمات نقص و زوال متصف و موصوف است بجمیع صفات کمال
عقیده اوصافش نه عین ذات اند و نه غیر ذات ازلی است بغیر ابتدا ابدی است
بغیر انتها زنده است که هرگز نمی میرد و شنوا است نه از راه گوش بینا است نه بوساطت

لو باست نه بجیله زبان و دانا است بهمه شیئها توانا است بر همه چیز ها هر چه میکند

یلند هر کرا میدید او میدهد رَازِقُ الْعِبَادِ خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ

لَیْسَ کَمِثْلِهٖ شَیْءٌ فِی الْاَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ وَهُوَ

السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ **عقیده** کلام او سبحانه نه از جنس حرفست نه صوت قدیم است قایم

بذات او قرآن خلق و ایجاد او نیست قرآن مجید که کلام اوست هم قایم باوست این

الفاظ و خطوط دلالت بران میکنند **عقیده** جمله افعال بندگان چه نیک و چه بد از

خلق و ایجاد او سبحانه تعالی است و کسب بندگان از فعل نیک راضی است از بد نا راضی

جزا کار نیک و سزا کار بد منوط بر قدرت کسب است **عقیده** انبیا صلوات الله و سلامه

علیهم بندگانند که او سبحانه تعالی به تبلیغ احکام خود بطرف عباد خویش فرستاده

تا او امر و نواهی او را بی کم و کاست ابلاغ نمایند و خرق عادت ایشان معجزات اند

دلائل بر صحت نبوة اول جمله انبیا آدم است علیه السلام و آخر همه محمد صلی الله علیه و آله

وسلم و درمیان هر دو بسیار پیغمبران بوده اند بعضی افضل از بعضی تِلْكَ الرُّسُلُ

فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰی بَعْضٍ برگزیده تر از همه محمد است صلی الله علیه وسلم

عقیده ملائک بندگان حق سبحانه و تعالی هستند مجرد و نورانی نه متصف

بذکورت نه بانوثت هرگز نافرمانی حکم وی نکنند لَا یَعْصُوْنَ اللّٰهَ مَآ اَمَرَهُمْ

وَیَفْعَلُوْنَ مَا یُؤْمَرُوْنَ **عقیده** چندین کتب که او سبحانه تعالی بر رسل

خود فرستاده حق است و راست چنانچه توریت بر موسی و انجیل بر عیسی و زبور

بر داود و صحف بر ابرهیم و غیره و قرآن مجید بر محمد صلی الله علیه وسلم و قرآن مجید

ناسخ احکام جمله کتابهاست **عقیده** * روز قیامت

در اعمال است نه در اصل ایمان **عقیده** کبایر در اکثر اقوال دوازده اند اول شریک
آوردن با حق سبحانه تعالی غیر وی را خواه در الوهیت خواه در وجوب وجود خواه در
استحقاق عبادت دوم قتل نفس بغیر موجب آن سیوم زن صالحه را دشنام
بهم بادادن چهارم زنا کردن پنجم روز جنگ از کافران گریختن ششم جادو کردن
هفتم مال یتیم را خوردن هشتم مادر و پدر را رنجانیدن نهم گناه در حرم کردن دهم ربا
خوردن یازدهم دزدی کردن دوازدهم شراب خوردن و قمار باختن نیز از گناه کبیره
است **عقیده** آنچه اصلح بحال بندگانست بر حضرت حق سبحانه فعل آن لازم
نیست والا هیچکس را در کفر و فسق نمیداشتی و دل هر کس را بر فعل نیک میگماشتی **عقیده**
جادوان در دوزخ نمانند مگر کافران و مسلمانان را بحسب اعمال سیاست کنند آخر
در بهشت در آرند **عقیده** انبیا و اولیا و صلحا و اتقیای مؤمنان دوزخیان را شفاعت
کنند و الله تعالی بفضل عمیم خویش شفاعت ایشان را قبول فرماید **عقیده** افضل الناس
بعد محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم ابو بکر صدیق است بعد از ان عمر فاروق بعده عثمان ذی
النورین بعد از ان علی مرتضی رضی الله عنهم و رضوا عنه و خلافت هم برین ترتیب
است **عقیده** خلافت تا سی سال است که خلفاء اربعه کردند بعد از ان ملکست و
پادشاهی است **عقیده** ده کس را بهشتی علی سبیل الیقین باید شمرد که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم بدخول ایشان در بهشت بشارت داده اند
و آن ابو بکر صدیق و عمر فاروق و عثمان ذی النورین و علی مرتضی و طلحه و زبیر
و عبد الرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص و سعید بن زید و ابو عبیده بن الجراح
اند و همچنین فاطمه زهرا و حسن و حسین رضی الله تعالی عنهم و عنهما را

نیز بهشتی باید دانست **عقیده** در حق اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم رضی الله
عنهم زبان را بجز کلمة الخیر نباید کشود که حب ایشان حب رسول صلی الله علیه وسلم است و بغض
ایشان بغض رسول است تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ
وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ
زهی حماقت فرقه های ضاله که سبّ اصحاب لعن احباب کیش خود قرار داده امید
اجر جزیل میباشند و عداوت احباء رسول را موجب ثواب جمیل میباشند **عقیده**
کرامات اولیا و خرق عادات اصفیا چنانچه طیّ زمین و زمان حق است و راست
که کرامات ولی در معنی معجزه نبی ست که او در پی او ست اما هیچ ولی بدرجه نبی نمیرسد
عقیده هیچکس تا وقتیکه عاقل و بالغ و توانا است بدان پایه نمیرسد که احکام
شرع از ذمه وی ساقط گردند **عقیده** مردمان را پادشاه لازم است که قرشی نسب
باشد و عالم بعلوم دین و ضابط غالب و منصف تا اجرای احکام شرع نماید و بودن او برگزیده
از اهل زمان خود شرط نیست و از جور و فسق منعزل از سلطنت نگردد **عقیده** اقتدا در نماز
به نیک و بد نشاید کردن و نماز جنازه بر صالح و طالح باید گذاردن **عقیده** رد نصوص
قطعیه و حلال دانستن و سبک پنداشتن گناهی خواه کبیره باشد خواه صغیره و اهانت و استهزا
شریعت و مایوس شدن از رحمت پروردگار و مامون بودن از قهر جبار و تصدیق کاهن در
اخبار غیب جمله را موجب کفر و ضلال باید شمردن **عقیده** بعد مردن مردگان را از
زندگان نفع و ثواب میرسد اگر صدقه برای ایشان دهند و دعا و تسبیح و تهلیل از برای ایشان
کنند **عقیده** الله تعالی دعا و عبادات را قبول میفرماید و حاجت محتاجان روا مینماید

باب دوم در ذکر مسایل ضروریه

فصل چنانچه وضو و نماز و صوم و زکوة و حج و غیر ذلک باید دانست که بنای اسلام پنج چیز
است اول گواهی دادن بآنکه نیست هیچ معبودی بحق مگر الله تعالی و محمد صلی الله علیه وسلم
بتحقیق فرستاده و پیغامبر اوست دوم برپا داشتن نماز پنجگانه سیوم داشتن روزه ماه رمضان
چهارم دادن زکوة از مال خود پنجم حج کردن خانه کعبه اگر از طرف زاد و راحله توانائی آن باشد
از انجا که نماز موقوف بر طهارت است شروع از مسائل طهارت کرده شد مسئله
فرائض وضو شستن روی است از رستنگاه موی پیشانی تا زیر زنخ و از
نرمه گوش تا نرمه گوش دیگر و شستن هر دو دست تا آرنج و مسح کردن ربع سر و شستن هر دو
پای تا شتالنگ و کسانیکه ریش گنجان داشته باشند مسح ربع ریش از فرض شمارند مسئله
سنن وضو شستن هر دو دست تا بند دست بعد خواندن تسمیه و مسواک
کردن و آب در دهان و بینی کردن و خلال ریش و انگشتان دست و پا کردن
و هر عضو را سه بار شستن و وقت شروع نیت وضو کردن و تمام سر را یکبار
و هر دو گوش را از آب بقیه سر مسح کردن و ترتیب منصوص را نگاه داشتن و پی در پی
شستن مسئله مستحبات وضو از اعضای راست شروع کردن
و مسح گردن کردن نواقض وضو بر آمدن نجاست است از بدن متوضی
خواه از راه سبیلین باشد خواه غیر آن چنانچه بول و غائط و باد و خون و ریم
و زرد آب و قی که پری دهن بود خواه تلخه بود خواه خون بسته طعام باشد خواه آب
سوای بلغم که وضو از قی بلغم صرف نشکند و خواب تکیه داده بوضعی که اگر آن تکیه را زائل
سازند خواننده بیفتد و بیهوشی و جنون و مستی و قهقهه مصلی بالغ که هم نماز شکسته باید و
هم وضو و مباشرت فاحشه که عبارة از مساس فرج زن و مرد است بغیر حائل مسئله فرائض

غسل آب در دهان و در بینی کردن و به تمام ظاهر بدن خود روان نمودن مسئله
سنن غسل اول هر دو دست و فرج و هر نجاستی که بر ظاهر بدن باشد بشوید بعد از آن
وضو سازد مگر پای خود را که بعد از غسل شوید پس سه بار بر تمام بدن آب روان نماید
اگر هیچ موی سر زن تر شود حاجت بکشادن موی بافته نافتد مسئله موجبات غسل آمدن
منی جهنده است که با لذت بود اما شرط جهندگی و شهوت در وقت جدا شدن از مقام
خود معتبر است گو که در زمان برآمدن از سر قضیب این شرط مفقود گردد و لیکن غسل واجب
نشود الا وقت خروج و دخول سر ذکر در قبل یا دبر که بر طرفین غسل فرض گردد و انقطاع
خون حیض و نفاس خروج مذی که عند الملاعبت برمی آید همچنین ودی که بعد
بول ظاهر گردد و همین حکم دارد خواب احتلام که در آن منی برنیاید و داغ بر جامه نماید
که موجب غسل نمیشود مسئله غسل مسنونست برای جمعه و عیدین و احرام و در روز عرفه
مسئله غسل واجب است میت را و کسی را که نو اسلام آورده باشد در
حالت کفر جنابت داشته باشد و اگر جنابت نداشته باشد درین صورت غسل وی مستحب است
مسئله تیمم که عبارت از زدن هر دو کف دست بر خاک پاک است یا چیزی که از جنس زمین
باشد یعنی نسوزد و نگدازد و هر چند که غبار نداشته باشد به نیت تیمم و مالیدن آنها بر روی خود
از رستنگاه موی پیشانی تا زنخ و از نرمه گوش یکی تا دیگر و بار دیگر زدن و مسح هر دو دست
تا آرنج کردن قائم میشود مقام وضو اگر نیت آن باشد و مقام غسل اگر نیت آن کند
هر کسی را که دور باشد از آب بقدر یک میل که عبارت از چهار هزار ذراع است و هر ذراع بست و
چهار انگشت و یا آنکه دور نباشد بر استعمال آب بسبب مرض که دارد یا خوف پیدا
شدن مرض باشد یا سرمای مهلک یا خوف عدو و یا درنده

یا ترس تشنگی که آب دیگر برای نوشیدن ندارد یا نبودن دلو و رسن گو که در چاه آب موجود است
از ترس سبب یا امثال آن قدرت به استعمال آب مفقود گردد تیمم جایز میشود و صحیح است از یک
تیمم دو فرض یا زیاده گذاردن و جایز است تیمم پیش از وقت نماز گذاردن مسئله
بشکند تیمم را آنچه بشکند وضو را و دیگر یافتن آب و قادر شدن به استعمال آن و رفع عذری
که بجهت آن تیمم کرده باشد مسئله مسح موزه جایز است اگر پوشیده باشد بر طهارتی که کامل
بود در وقت حدث گو که در زمان پوشیدن موزه طهارت کامل نباشد چنانچه کسی تنها
پاها را شسته موزه پوشید بعد از آن وضو را تمام کرد و طهارت مسح موزه قائم است
مقیم را ... حدث نه در جنابت و حیض و نفاس که موجبات غسل اند مسافر
را سه شبانروز ... و مقیم را یک شبانروز از وقت حدثی که بعد پوشیدن موزه عارض
شده باشد مسئله طریق مسح موزه آنست که دست را تر کرده از انگشتان پا
تا ساق بر موزه خطوط بکشند و پاره بودن موزه بقدر سه انگشت خرد پا مانع است
جواز مسح را مسئله مسح را شکننده وضو بیرون آمدن اکثر قدم از موزه و گذشتن مدت
مسح و جایز است مسح بر جبیره و عصابه و تعیین مدت آن و شرط طهارت عضو در اینجا نکرده
اند مسئله اقل ایام حیض سه شبانروز است و اکثر آن ده روز و اقل مدت نفاس را که
بعد ولادت میشود حدی نیست یعنی کسانی بیش از یکساعت و یک لحظه نیز باشد و
اکثر مدت آن چهل روز است و پاکی که در میان روزها سه خون است در حکم خون
شمرده اند حیض و نفاس نماز و روزه و دخول مسجد و طواف کعبه و قرآن خواندن و مصحف
و مس آن را منع میکند حائضه و نفساء روزه قضا دارند و نماز عفو است و خونیکه غیر حیض
و نفاس است استحاضه گویند و آن حکم رعاف دارد و هیچ چیز را منع نمی کند

در وقت نماز وضو سازد و نماز گذارد گو که خون روان باشد و از برآمدن وقت وضو
میشکند مسئله پاک میشود بدن و جامه از آب و هرچه بدان ماند چنانچه سرکه و گلاب و قدر
یک درهم که کف دست باشد عفو است از نجاست غلیظه مثل بول و غائط آدمی و خون و
خمر و سرگین مرغ و بول جانوران که خورده نمیشود و گوشت آنها و سرگین گاو و اسپ
و بقدر ربع جامه که عبارت از بالشت در بالشت است عفو است از نجاست خفیفه مثل
بول جانوران که گوشت آنها خورده میشود و بول اسپ و سرگین پرنده که ماکول نیست لحم شان
و خون ماهی و لعاب خر و استر و بول که بقدر سر سوزن قطرات آن بر جامه افتد نجاست نمیکند
پاک میگردد به زوال چشمی و ... و از شستن سه بار مسئله جایز است غسل و وضو از
آب باران و آب چشمه و آب دریا اگرچه تغیر داده باشد چیزی پاک احد اوصاف ویرا
که رنگ و بوی و مزه است و آب نجس میشود از وقوع نجس اگر جاری یا ده در ده
که در حکم جاری است نباشد مسئله آب چاهی که دران نجاست افتد تمام باید کشید
و همچنین بمردن جانوری مثل آدمی و سگ و بز و مثل آن و آماسیدن و پاره
شدن آن هرچند که جانور خورد باشد و اگر آماسیده و پاره نشده باشد پس از موت
مثل موش و گنجشک بیست دلو کشیده و مثل مرغ و کبوتر و گربه چهل مسئله وقت
نماز فجر از صبح صادق است تا طلوع آفتاب و وقت ظهر از زوال آفتاب تا رسیدن
سایه هرچیز دو چندان سوای سایه اصلی و عصر از آخر ظهر تا بغروب و مغرب از غروب تا زوال
شفق که سفیدیست بعد سرخی و عشا و وتر از زوال شفق تا صبح صادق و وتر را بر
عشا تقدیم نمایند و نماز و سجده تلاوت ممنوع است در عین وقت طلوع و استوا و
غروب مگر نماز عصر آن روز که عند الغروب هم جایز است مسئله اذان و اقامت و تکبیر گفتن

سنت است برای نماز فرض بر مردان مسئله شرط نماز چند چیز است اول طهارت
بدن مصلی از نجاست و حدث دوم پاکی جامه سوم پاکی مکان چهارم ستر عورت
که مردان را از ناف تا زانو است و همچنین کنیزک را که حکم مردان دارد مگر پشت و شکم او که ستر
آن نیز فرض و زن حره را تمام بدن عورت است مگر روی و هر دو کف دست و قدم پنجم
نیت نماز متصل آن ششم توجه جانب قبله مسئله فرائض نماز چند چیز است اول تحریمه
که عبارت از تکبیر اولی است دوم قیام سوم قرائت قرآن چهارم رکوع پنجم سجود ششم قعده
اخیره بقدر تشهد هفتم برآمدن مصلی از نماز خود بفعل خویش مسئله واجبات نماز خواندن
الحمد است و ضم سوره کردن بدان و تعیین قراءة در دو رکعت اول و مرعی داشتن
ترتیب در افعالیکه مکرر میشوند در یک رکعت مثل سجده و تعدیل ارکان نماز و قعده اولی
و تشهد خواندن در هر دو قعده و برآمدن از نماز بلفظ سلام و دعاء قنوت در وتر و تکبیرات
عیدین و بلند خواندن در نماز صبح و مغرب و عشا و پست خواندن در نماز ظهر و عصر مسئله
سنن نماز رفع یدین است برای تکبیر تحریمه و کشاده داشتن انگشتان و ست نزدیک آن و بلند
گفتن تکبیر امام را و ثنا و تعوذ و تسمیه و آمین خفیه گفتن و دست راست بر چپ زیر ناف داشتن
و تکبیر وقت فرو رفتن در رکوع و تسبیحات در میان آن سه بار گفتن و هر دو زانو را بهر دو
با کشادگی انگشتان گرفتن و وقت برخاستن از آن سمع الله لمن حمده گفتن امام را و ربنا
لک الحمد گفتن مقتدی را و تکبیر سجود و تسبیحات در آن سه بار گفتن و هر دو دست و هر دو زانو
را در سجده بر زمین داشتن و در قعده پای راست را ایستاده کردن و پای چپ
گستردن و در میان رکوع و سجود قومه و بین السجدتین جلسه کردن و بعد تشهد درود
بر نبی صلی الله علیه وآله وسلم فرستادن و دعاء در حق خود و والدین خود

پنجم را بسجده ضم نکرده است بنشیند و نماز تمام کند و سجده ادا نماید و اگر رکعت پنجم را
بسجده مقید کرد باید که یک رکعت دیگر کند و این شش رکعت جمله نفل گردند مسئله
مریض که متعذر باشد قیام او را یا خوف زیادتی بیماری باشد نشسته نماز گزارد و اگر
نشسته گزاردن هم دشوار گردد بر پشت یا بر پهلو غلطیده اشارت نماید سجده
تلاوت قرآن واجب میشود بخواندن یا شنیدن یکی از چهارده آیت سجده
و اگر یک آیت را تکرار کند و مجلس متحد باشد لازم نمی آید مگر سجده واحده مسئله
در ایام سفر که راه سه روزه باشد بسیر متوسط نماز چهارگانه را دوگانه خواند و نیت اقا[مت]
کم از پانزده روز در حکم سفر است مسئله نماز جمعه واجب می گردد بدل ظهر بشرط
حریت و اقامت و صحت و ذکورة و سلامتی چشم و پای و جایز نیست ادای جمعه
مگر در شهر و یا در گرد شهر و پادشاه و یا نایب او حاضر باشد و وقت
ظهر بود و خطبه پیش نماز خواند و در مسجد اذن عام دهد و مقتدیان کم از سه کس نباشند
که بغیر ازین شروط ادای جمعه روا نباشد مسئله نماز عیدین واجب است بر
کسیکه واجب میشود بروی نماز جمعه بجمیع شروط آن سوای خطبه بگزارد دو ر[کعت]
نماز و در رکعت اول تکبیرات زوائد بعد ثنا بگوید و در رکعت ثانی بعد از قرائت سوره تکبیرات
و بعد از فراغ نماز خطبه گوید مشتمل بر احکام صدقه فطر و قربانی و تکبیرات ایام
تشریق واجب است بعد از فجر روز عرفه تا هشت نماز عصر روز عید باشد بر مرد
بشرط اقامت و شهریت و جماعت بعد هر نماز فرض مسئله در وقت کسوف
آفتاب دو رکعت بجماعت گزارند و در خسوف و ظلمت و باد تند و خوف بغیر
جماعت دعا کنند عقب آن تا زوال حادثه مسئله برای استسقا در صحرا

که هیچ قومی در انجا حاضر نباشد بغیر جماعت نماز گذارند و استغفار نمایند و دعا طلبند
مسئله در وقت غلبهٔ خوف دشمن یا درنده مقتدیان دو گروه شوند یک طائفه
مقابل دشمن بایستد و طائفهٔ ثانیه نصف نماز با امام گذارند و ایشان مقابل دشمن روند
کسانیکه مقابل دشمن بودند نصف نماز با امام سابق ادا نمایند پس امام فارغ شود
و فرقهٔ اول نماز بقیه خود را تمام کند و فرقهٔ ثانیه پیش دشمن ایستاده باشد بعد ازین ایشان
مقابل دشمن شوند و طائفهٔ اخری نماز بقیه خود را تمام گردانند و در صلوة مغرب باید که
با فرقهٔ اول دو رکعت کند و با فرقهٔ ثانیه یک رکعت مسئله نماز جنازه فرض کفایت
است که از ادای یک کس ساقط میشود از جمله و اگر هیچکس ادا نکند همه بزه کار میشوند
و آن چهار تکبیر اند بعد اول ثنا خواند و بعد ثانی درود گوید و بعد ثالث دعا و استغفار
برای خود و برای میت و جمیع مسلمین و مسلمات خواند و بعد رابعه دو طرف سلام دهد
و اگر میت صبی باشد اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا وَّاجْعَلْهُ لَنَا اَجْرًا وَّذُخْرًا
وَّاجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا وَّمُشَفَّعًا نیز گوید مسئله طریقهٔ دفن و کفن اینست که چون
مریض قریب مرگ شود روی او سوی قبله کنند و بر پهلوی راست غلطانند و کلمهٔ شهادت تلقین
کنند چون روح او قبض شود دهان و چشمان او ببندند و بر تختهٔ غسل نهند و بر سینه فشارند و قدر عورة او
پوشند و وضو کنانند بغیر مضمضه و استنشاق و آبی که دران برگ کنار یا مثل آن جوشانیده
باشند بر سرش ریزند و سر و ریشش بگل خیرو بشویند و بر پهلوی چپ غلطانند و آب از جانب
راست ریزند بعده بر پهلوی راست غلطانند و آب از جانب چپ ریزند پس بنشانند و شکمش
نرم نرم مالند انچه از راه برآید پاک سازند و از پارچهٔ دیگر طراوة بدن او را
خشک گردانند پس در کفن در آرند سنت کفن مردان را ازار است

و در هر پنج شتر یک بز دهند تا به بیست و پنج شتر که دران بنت مخاض کی عبارة از شتر بچه
یکساله است دهند و در سی و شش بنت لبون که عبارت از بچه دو ساله است و در
چهل و شش یک حقه که عبارت از سه ساله است و در شصت و یک جذعه که عبارة از چهار ساله است
و در هفتاد و شش دو بنت لبون و در نود و یک تا یکصد و بیست دو حقه بعد ازین در هر پنج
شتر یک بز دهند تا یکصد و چهل و پنج که دران دو حقه و یک بنت مخاض است و در یکصد
و پنجاه سه حقه بعد ازین در هر پنج شتر یک بز دهند و در یکصد و هفتاد و پنج سه حقه و
یک بنت مخاض و در یکصد و هشتاد و شش سه حقه و یک بنت لبون و در یکصد و نود و شش
چهار حقه تا بدو صد و همچنین همیشه بر همین حساب میداده باشند و در خر و استر و اسپ و
بچه های بز و گاو و شتر زکوة لازم نیاید مسئله صدقه فطر واجب است بر هر
مسلمان که مالک باشد مالی را که زکوة بران واجب تواند شد و زاید بود از حاجت اصلی
و مسکن و لباس و اسپ سلاح است او را باید از ذات و طفل صغیر خود و غلام و کنیزک خود
نصف صاع از گندم و یک صاع از جو بوقت صبح روز عید الفطر اگر مقدم یا موخر کند
میتواند و صاع عبارت از هشت رطل است مسئله مصارف مال زکوة فقیر است که
مالک نصاب نبود و مسکین که آنرا هیچ نباشد و عامل که اخذ زکوة کند اجره او
از همان مال دهند و مکاتب و اسیر مال آزاد کرده باشند و قرضداران و غازیان که اسباب جنگ
مهیا ندارند و مسافرانی که از مال و ملک دور افتاده باشند و جایز نیست ادای مال
زکوة باصل خود که مادر و پدر و جد و جده باشند و بفرع خویش که پسر و دختر و نبیره و نبیره باشد و
بزوج و زوجه خود و به بندگان خود و بنی هاشم و موالی آنها و صرف ننمایند به بنای مسجد و
کفن میت و ادای دین و به ذمی اگرچه صدقة الفطر باشد

مسئله روزه که عبارت از ترک خوردن و آشامیدن و جماع کردن است با نیت
آن از وقت صبح صادق تا غروب آفتاب فرض میگردد و بدیدن ماه رمضان یا گذشتن
سی روز ماه شعبان و روزه ماه رمضان که فرض است و روزه نذر معین و روزه
نفل ادا میشود به نیت از شب تا قبل نصف روز و سوای این روزه ها مانند قضا و کفاره
و نذر غیر معین ادا نمیشود مگر به نیت شب مسئله اگر صائم بفراموشی بخورد یا بنوشد یا جماع
کند یا خون کشد یا روغن بمالد یا در حلق وی غباری در آید و یا مگس یا پشه بحلقش فرو رود
روزه نمیشکند اگر دانسته بخورد یا بنوشد یا جماع کند قضا کند و کفاره دهد که آزاد کردن یک
بنده است یا روزه داشتن دو ماه پی در پی یا خورانیدن شصت مسکین است اگر خواه مخواه
قی کرد یا چیزی از قی فرو برد یا سنگریزه و امثال آن بخورد قضا نماید و کفاره ندهد و
همچنین اگر حقنه یا سعوط نماید یا در گوش دوا اندازد مسئله مسافر و مریض و حامله
مرضعه که بر بچه خود بترسد افطار نمایند و قضا کنند و شیخ فانی افطار نماید و هر روز مسکینی
بخوراند و اگر سحر بخورد بگمان شب و صبح صادق طلوع کرده باشد یا افطار کند بگمان وی روز
باقی باشد قضا کند و کفاره لازم نیاید و پنج روز که دو روز هر دو عید و سه روز تشریق باشد
روزه داشتن ممنوع است مسئله اعتکاف سنت است در مسجد با صوم و نیت اعتکاف
و اقل آن یکساعت است و زن باید که مسجد خانه خود بنشیند و بر نیاید از اعتکاف مگر
بضرورت بول یا براز یا نماز جمعه و اگر بغیر ضرورت بر آید یا وطی یا دواعی آن کند اعتکاف
فاسد شود مسئله حج خانه کعبه فرض است بشرط حریت و بلوغ و عقل و اسلام و
صحت و زاد و راحله و وقت رفتن و آمدن نفقه کسانی که واجب است بر وی
نفقه آنها تا مدت رجوع و امن طریق با زوج یا محرم زنی را که مسافر

باشد و فرائض حج احرام است و ایستادن بعرفات و طواف زیارت و واجبات آن
سعی در میان صفا و مروه و وقوف بمزدلفه و رمی جمار و سر تراشیدن و طواف صدر و
سنن آن طواف قدوم و رمل کردن در طواف و سعی کردن در میلین و شب منی
کردن در ایام منی و از منی بسوی عرفات رفتن بعد طلوع آفتاب و از مزدلفه بمنی رفتن پیش
از طلوع آن و شب منی در منی گذرانیدن و ترتیب در رمی جمار نگهداشتن و مفسد احرام
جماع است و ذات عرق و جحفه و قرن و یلملم مسئله قران افضل است بعد از آن تمتع بعد
از آن افراد و قران آنست که احرام کند بنیت حج و عمره و طواف و سعی کند برای عمره بعد
از آن حج گذارد و تمتع آنست که احرام بعمره کند از میقات پس طواف و سعی کرده
حلق نماید و از احرام بیرون آید و بروز ترویه که عبارت از روز هشتم باشد از حرم احرام حج
ببندد و افراد آنست که تنها حج گذارد بغیر عمره چون تفصیل احکام حج و تصویر آن موجب
طول رساله میگردد و باعث درازی نسخه میشود اکتفا بهمین مقدار افتاد که تعلیم معلمان
در ایام حج و اجتماع حجاج عنقریب ازین فعل مانع است از آنکه خطا و خلل و ضلال در آن افتد
مسئله واجبات دین در آن چند چیز است نفقه ذوی رحم محرم و صدقه عید الفطر و
قربانی و خدمت والدین و خدمت زوج مر زوجه را و عمره ادا کردن و لفظ الله شنیده
تعظیم نمودن و لفظ محمد شنیده درود فرستادن و جواب سلام و جواب عطسه فرض کفایت
شمردن

باب سوم در فضائل بعضی اعمال که ثمره آن یقینی است

فضیلت باید دانست که هیچ عملی در اسلام بعد تصحیح ایمان
ضرورتر و لازمتر از نماز نیست که در حق آن حافظوا علی الصلوات والصلوة الوسطی
وقوموا لله قانتین یعنی محافظت کنید بر نمازها و بر نماز عصر و استاده شوید

در نماز برای خدا خشوع کننده وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلٰوةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا
وَأَقِمِ الصَّلٰوةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ
يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ یعنی حکم کن اهل خود را برای نماز و صبر کن بر آن و قایم کن
نماز را دو طرف روز و اندکی از شب بدرستیکه دور میکنند آن حسنات بدیها را و دیگر حضرت
پیغمبر و سرور کائنات و اشرف موجودات فرموده که فرق درمیان مسلمین و کفار نماز است
هرکه ترک کند نماز را داخل شود در حکم کافر و دیگر فرموده هرکه محافظت کند بر نماز باشد بروز قیامت
او را نور و نجات و دلیل بر ایمان و هرکه محافظت نکند بر نماز نباشد او را نور و نه نجات و نه دلیل
بر ایمان و باشد او همراه فرعون و شداد و قارون و ابی بن خلف لعنهما الله علیهم اجمعین
و دیگر فرموده هر بنده مسلم که نماز گذارد و میشوند از وی جمیع گناهان وی مانند برگ خشک
از درختان میریزد و نیز فرموده است که نماز پنجگانه مثل نهریست که جاری می باشد بر در خانه
یکی از شما غسل کند در وی هر روز پنج بار باقی نماند بر جسد وی هیچ کثافت و چرک
همچنین است نماز پنجگانه دور میشود جمیع گناهان او و دیگر فرموده اند هرگز ترک مکن
فرض را اگرچه پاره پاره کرده شوی و سوخته گردی و هرکه ترک کند هر آئینه بری آید از وی
ذمه پروردگار تعالی و دیگر فرموده نماز پنجگانه دور میکند گناهانرا که درمیان واقع شده
باشد پس لازم است بر هر مسلمان که محافظت تمام نماید بر صلوات خمسه تا باشد که از عذاب
الیم و محل جهنم خلاص شود و بدرجات عالیات بهشت مشرف گردد

فضیلت

روزه داشتن ماه رمضان فرض عین است بر هر مسلمان که آیهٔ کریمه نازل است كُتِبَ
عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ
فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ

در شان آن واقع شده و سرور انبیا صلوٰة الله علیه فرموده هر که روزه ماه رمضان برای الله سبحانه و تعالی دارد بخشیده شود همه گناهان پیشین وی و هر که تراویح گذارد در ماه رمضان آمرزیده شود تمام ذنوب سابق وی و فرموده که روزه داشتن سپر و پناه است از آتش دوزخ **فضیلت** زکوٰة دادن مال فرض است بر هر آدمی او سبحانه جل شانه میفرماید وَلَا یَحْسَبَنَّ الَّذِیْنَ یَبْخَلُوْنَ بِمَآ اٰتٰهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ هُوَ خَیْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَیُطَوَّقُوْنَ مَا بَخِلُوْا بِهٖ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ و دیگر میفرماید وَالَّذِیْنَ یَكْنِزُوْنَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا یُنْفِقُوْنَهَا فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِیْمٍ یَّوْمَ یُحْمٰی عَلَیْهَا فِیْ نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوٰی بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوْبُهُمْ وَظُهُوْرُهُمْ هٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ فَذُوْقُوْا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُوْنَ و رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید که صدقه دادن دفع میکند غضب الله تعالی را **فضیلت** حج خانه کعبه فرض است بر هر مسلمان در تمام عمر خود یکبار بشرط استطاعت که حق جل شانه میفرماید وَلِلّٰهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَیْهِ سَبِیْلًا و سرور سید الانبیاء و المرسلین صلی الله علیه و سلم فرموده هر که حج گزارد و فسق و فجور نکند و فحش نگوید باز گردد از حج خود پاک و پاکیزه مثل روزیکه زاییده بود مادر او را و نیز فرموده که حج پاک و پاکیزه را نیست جزا مگر بهشت **فضیلت** باید دانست که هیچ عملی در اسلام بهتر و فاضلتر از ذکر حق سبحانه جل شانه و یاد کردن او سبحانه نیست فَاذْكُرُوْنِیْ اَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوْا لِیْ وَلَا تَكْفُرُوْنِ یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا اذْكُرُوا اللّٰهَ ذِكْرًا كَثِیْرًا وَّسَبِّحُوْهُ بُكْرَةً وَّاَصِیْلًا در شان آن وقعت و قرآن مجید و فرقان حمید ممـلو

و مشهورست از فضائل ذکر و مناقب فکر و احادیث وارده درین باب اکثر و بیشتر ازانست
که در احاطهٔ ضبط و شمار درآید چنانچه فرموده علیه الصلوة والسلام که سبقت کردند
و پیشروی نمودند در راه آخرت کسانیکه بسیار یاد میکنند الله را و دیگر فرموده که
بهترین اعمال نزدیک الله تعالی و بلند کننده ترین درجات شما و آسان ترین
جملهٔ طاعات یاد کردن الله سبحانه و تعالی است و فرمود اگر همیشه باشید شما در ذکر
حضرت حقتعالی مصافحه کنند با شما ملائکه او سبحانه تعالی و فرمود که بهترین اعمال آنست
که بمیرد آدمی و زبان وی تر و تازه باشد بذکر الله تعالی و فرمود که نیست هیچ چیز
نجات دهنده بنده زیاده از ذکر الله سبحانه و تعالی حتی که جهاد فی سبیل الله نیز بآن
پایهٔ رفیع و مرتبهٔ منیع نمیرسد **فضیلت** باید دانست که هر چند یاد کردن الله
تعالی بهر وضع و بهر طوریکه باشد نیکو و بهترست از جملهٔ طاعات و عبادات خواه
بدل باشد خواه بزبان خواه بجوارح باشد خواه بجنان اما آنچه اولیا الله تعالی و
پیشوایان طریقت و مقتدایان حقیقت وضع کرده اند و قرار داده اند بهترین اذکار
و افضلترین اطوار است که فرموده اند کمال آدمیت و شرف انسانیت موقوف بسه چیز
است اول تزکیهٔ ظاهر دوم تصفیهٔ باطن سوم تخلیهٔ قلب **تزکیهٔ ظاهر** عبارت ازانست
که ظاهر خود را بجمیع احکام ظاهر شریعت متصف سازند و یکسر مو از دایرهٔ شریعت
که بنا و اساس طریقت است بر نتابند چه فعل مامورات و چه ترک منهیات
و درین باب کتب فقه و حدیث وافی و کافیست فی الجمله درین رساله هم ذکر آن
گذشت **تصفیهٔ باطن** عبارت ازانست که از باطن خود جمیع اوصاف ذمیمه
مثل بخل و بغض و حسد و کبر و ریا و حب دنیا و دوستی جاه و فخر و عجب

وغیر ذلک که معنی هر یک ازان سم قاتل است پاک سازند و سرمایهٔ نجات ابدی و
حیات سرمدی حاصل نمایند و بجمیع صفات جمیله چنانچه صبر و توکل و رضا بالقضا و قناعت
و حلم و علم و غیر ذلک که هر واحد ازان مثمر ثمرات کمال اند باطن خویش را متصف
گردانند و در کتب آداب و سلوک بسبیل بسط ذکر میشود و حاجت ایراد آن
مفصل درین رساله نیفتاده مگر بطریق اختصار که در باب چهارم مذکور خواهد شد و
تحلیهٔ قلب عبارت از انست که توجه روح خود و خلاصهٔ دل خویش بطرف
حق سبحانه و تعالی آورند و چنانکه شائست و بایست هیچ مهر و محبت و مودت
هیچ چیز در دل او باقی نماند و همیشه علی الدوام یاد حضرت حق و دوستی آن ذات
مطلق صفتی لازم دل گردد که هر چند تامل صادق کنند مقصود اصلی خود غیر آن ذات
نیابند و تکمیل طریقه طریقهٔ اول چنان فرموده اند که چشم بر بندند و زبان بر کام
بچسپند و حیات خود را دم واپسین شمارند و بدل خود کلمهٔ نفی و اثبات که عبارت از
لا اله الا الله است و افضل الذکر قرار داده بگویند و معنیش را تصور نمایند
بطریقی که بوقت لا اله ذات خود و جمیع ماسوی الله را بحکم عدم پندارند و در وقت الا الله
ذات بیچون بیکیف حضرت باری تعالی را اثبات کنند و تصور نمایند اما بصفت تعظیم و محبت
بجمیع تمام سر باشند و همیشه این ذکر مداومت کنند تا که حضور ذات بیکیف او بغیر تکلف لازمی
و دائمی گردد آنگاه بران یادداشت محافظت کنند طریقهٔ دیگر آنست که اسم ذات را
که عبارت از کلمهٔ الله باشد با دل خود بگویند و ضرب سازند که اثر گرمی آن در
دل پیدا گردد و در هر بار و هر مرتبه تصور کنند که هیچ کس غیر الله تعالی
مقصود و محبوب و مطلوب و معبود نیست تا آنکه دل خود را از محبت ماسوی الله

خالی بیند و وجود ات عالم و عالمیان را معدوم داند و ذکر و مذکور یکی گردد و ذاکر
هستی خود را فانی در هستی مذکور پندارد و چون چنان گردد و باید که علی الدوام بر
محافظت این نسبت علیا بکوشند و جددوا ایمانکم بقول لا اله الا الله
اشارتیست بدان و قل الله ثم ذرهم کنایتیست ازان کما قال الله تعالی
واذکر ربک فی نفسک تضرعا وخیفة ودون الجهر من القول بالغدو
والاصال ولا تکن من الغافلین یعنی یاد کنید الله تعالی را همیشه بدل خود و
نباشید از غافلان حاصل آنست که الله تعالی با جمیع بندگان خود اقرب من حبل الورید
است حجاب دوری محض از غفلت ماست هرگاه این غفلت برطرف گردد و خلاصه عبادت
وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون درشان آن واقعست حاصل
آید چه سلوک که در وسع آدمیست تا اینجاست بعد ازان فضل الهی بسبب توجه
وارادت اولی فایض میگردد السعی منی والاتمام من الله تعالی و در مبادی سلوک
اسم ذات را دوازده هزار و نفی و اثبات را یکهزار و یکبار همیشه مواظبت داشتن
مثمر آثار عجیبست و غریب والله اعلم بالصواب **فضیلت** هر کلمه هر دعا که مشتمل بر ذکر
الله باشد همه موجب اجر و باعث ثواب میگردد و اما اولی وانسب آنست که از
اذکار و ادعیه آنچه در کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم فضیلت
آن منصوص است اختیار باید کرد چنانچه لا اله الا الله سبحان الله والحمد لله
والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم که درشان هر واحد
ازین فضل و ثواب احادیث صحیح ثابت شده که در غیر آن نیست چنانچه سرور بنی آدم و افضل
جمیع عالم محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم میفرماید هر که بگوید لا اله الا الله و بمیرد بهشت

اعتقاد داخل گردد در بهشت هرچند که در میان گناهان کبایر مثل دزدی و
زنا که اعظم ذنوبست مرتکب باشد و فرمود که بهترین ذکر لا اله الا الله است و فرمود
گواهی دادن لا اله الا الله کلید در بهشت است و فرمود که موسی علیه السلام الله تعالی
خطاب کرد که یا موسی اگر هفت آسمان و هفت زمین نهاده شود در یک پله ترازو و کلمه لا
اله الا الله در پله دوم هر آینه گران آید پله که درین کلمه لا اله الا الله است و
فرمود که الله تعالی عذاب نمیکند از بندگان خود مگر گردنکش سخت را که انکار نماید از گفتن
لا اله الا الله و فرمود که بهترین کلمات چهار اند سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر و فرمود که سبحان الله پر میکند نصف میزان را و الحمد لله پر سازد تمام آنرا و لا اله
الا الله میرسد نزدیک الله تعالی بغیر حجاب و فرمود که هر که بگوید هر صبح سبحان الله و الحمد لله
و لا اله الا الله و الله اکبر دور شوند گناهانش مثل درختی که میریزند برگهای آن
و فرمود که هر که بگوید هر صبح شام سبحان الله صد بار گویا که صد حج گذارده باشد و کسیکه بگوید
هر صبح و شام الحمد لله صد بار گویا که سوار کرده باشد غازیان را در راه خدا تعالی بر صد اسپ
و هر که بگوید هر صبح و شام صد بار لا اله الا الله گویا که صد برده از اولاد حضرت اسمعیل
علیه السلام آزاد کرده باشد و کسیکه بگوید الله اکبر هر صبح و شام صد بار گویا که نیاید بکسی در آن
روز با عملی که بهتر باشد از آن و فرمود که دو کلمه سبک اند آسان اند بر زبان و سنگین و گران اند
در میزان و مقبول و محبوب تر اند نزد رحمن آن سبحان الله و بحمده سبحان الله العلی العظیم
است و فرمود که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم زیر عرش است از خزانه بهشت
و فرمود که لا حول و لا قوة الا بالله دارو است از نود و نه مرض که آسان
ترین آن غم باشد **فضیلت** فرمود سرور عالم و افضل بنی آدم

که الله تعالی را نود و نه نام اند هر که همیشه خواند و ورد گیرد آنرا داخل کنند در بهشت هو الله

الَّذِیْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ الْوَهَّابُ

الرَّزَّاقُ الْفَتَّاحُ الْعَلِیْمُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ السَّمِیْعُ

الْبَصِیْرُ الْحَکَمُ الْعَدْلُ اللَّطِیْفُ الْخَبِیْرُ الْحَلِیْمُ الْعَظِیْمُ الْغَفُوْرُ الشَّکُوْرُ الْعَلِیُّ

الْکَبِیْرُ الْحَفِیْظُ الْمُقِیْتُ الْحَسِیْبُ الْجَلِیْلُ الْکَرِیْمُ الرَّقِیْبُ الْمُجِیْبُ الْوَاسِعُ

الْحَکِیْمُ الْوَدُوْدُ الْمَجِیْدُ الْبَاعِثُ الشَّهِیْدُ الْحَقُّ الْوَکِیْلُ الْقَوِیُّ الْمَتِیْنُ الْوَلِیُّ

الْحَمِیْدُ الْمُحْصِیْ الْمُبْدِئُ الْمُعِیْدُ الْمُحْیِیْ الْمُمِیْتُ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ الْوَاجِدُ الْمَاجِدُ

الْوَاحِدُ الْاَحَدُ الصَّمَدُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ الْمُقَدِّمُ الْمُؤَخِّرُ الْاَوَّلُ الْاٰخِرُ

الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْوَالِیْ الْمُتَعَالِیْ الْبَرُّ التَّوَّابُ الْمُنْتَقِمُ الْعَفُوُّ الرَّؤُفُ مَالِكُ

الْمُلْكِ ذُوالْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ الرَّبُّ الْمُقْسِطُ الْجَامِعُ الْغَنِیُّ الْمُغْنِیْ الْمُعْطِیْ

الْمَانِعُ الضَّارُّ النَّافِعُ النُّوْرُ الْهَادِیْ الْبَدِیْعُ الْبَاقِیْ الْوَارِثُ الرَّشِیْدُ

الصَّبُوْرُ باید دانست که الله سبحانه میفرماید قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ ط

اَیًّا مَّا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰی بگواه محمد صلی الله علیه وسلم بخوانید

رحمٰن را بهر اسمی که ازین اسماء دعا کنند پس خدا را است نامهای نیکو و جمیع اهل

تفسیر و اهل دعوت اتفاق دارند برانکه هر اسمی که ازین اسما بسیار ذکر کرده شود آثار

آن قاری یا در کسی که بنیت آن بخوانند ظهور میکند مثلاً اگر بنیت مهم عزت و جاه اسم

مَلِكٌ و عَزِیْزٌ و مُعِزٌّ و مُتَکَبِّرٌ و رَافِعٌ و عَلِیٌّ و عَظِیْمٌ و کَبِیْرٌ و مُتَعَالِیْ و نحو آن یعنی اسمها

بسیار ذکر کند صاحب عزت و شوکت گردد و اگر خَافِضٌ و مُذِلٌّ و قَهَّارٌ و قَابِضٌ و مثال آن

بنیت قهر اعدا بخواند اعدایش مقهور و خوار گردند و اگر بنیت فراخی رزق و کشایش
روزی وَاسِعُ وَبَاسِطُ وغَنِیُّ ومُغْنِی و رَزَّاقُ وَ وَهَّابُ و امثال آن
بسیار خواند در مال و رزق آن وسعت زیاده می نماید و بهمین قاعده بهر مطلب
خود اسمیکه موافق آن باشد بسیار خواندن موجب حصول آن مقصود است و بعضی
کسان برای هر اسمی عددی بحساب ابجد و شرائطی و ساعاتی مقرر کرده اند و باعث
سرعت مطلوب میشمارند بهر حال عمده درینباب کثرة آن اسم است بنیت حصول مقصود
والله تعالی اعلم بالصواب **فضیلت** تلاوت قرآن و قرأت آن نیکترین
انواع عبادت است که رسول صلعم فرموده است هر که یکحرف از قرآن مجید بخواند
ثواب آن یک حسنه بیابد و ثواب آن حسنه را ده چند کرده دهند نه پندارند که الم
تمام یکحرف است بلکه الف یکحرف است و لام یکحرف است و میم یک حرف است
و فرموده که بخوانید قرآن را که روز قیامت شفاعت خواهد کرد اصحاب و قاریان خود را
و فرمود که روز قیامت خواننده قرآن را بگویند که قرآن را بترتیل بخوان و در درجات
بهشت ترقی کن مکان تو آنجاست که تمام کنی قراءه آنرا و فرمود که خواندن قرآن
بهتر است از تکبیر و تسبیح و صوم و صدقه پس لازم بر هر مسلمان است که هر روز قدری
بترتیل و تجوید بخواند و ورد خود گیرد که فضیلت آن در احادیث صحاح بسیار وارد شده
اگر مطلع باشد و بفهمد معانی آن پس بهتر است و الا در وقت تلاوت این قدر
داند که کلام خداست و آنچه دران از امر و نهی و قصص ذکر کرده است راست و
درست است ایمان آوردم بدان **فضیلت** باید دانست که هرچند تمام
قرآن و هر آیت ازان فاضلتر و بهتر است از جمیع ادعیه و عبادات لیکن در حق

بعضی از سور و آیات فضیلتی واقع شده است که در غیر آن نیست چنانچه فرموده رسول علیه
السلام که سوره فاتحه شفاست از هر مرضی باشد و هر چیز را دل و خلاصه است و
خلاصه تمام قرآن شریف سوره یس است هر که یکبار بخواند ثواب تلاوت ده قرآن
بیابد هر که بخواند آنرا البته دور شوند گناهان پیشین وی و بخوانید آنرا نزد مردگان
خود سوره الملک شفاعت میکند مر خواننده خود را و مانع میشود از عذاب قبر او را
و هر که بخواند هر شب سوره واقعه را گرفتار فقر و فاقه نگردد و سوره اخلاص برابر
میشود در ثواب سوم حصه قرآن مجید را و اذا زلزلت الارض نصف آنرا و قل یا
ایها الکافرون ربع آنرا و فرمود که بزرگترین آیات در قرآن شریف آیة الکرسی
بنابر اشتمال آن بر توحید و صفات الله تعالی ۱۲
است و آیت آمن الرسول تا آخر سوره بقره خزانه ایست از رحمت پروردگار
تعالی و فرمود که قل هو الله احد و معوذتین صبح و شام خواندن محفوظ دارد
از جمیع بلیات و آیة الکرسی در امن دارد از جمیع موذیات فضیلت هر چند که هر
آیت قرآن مجید کافی و وافی است برای هر مطلبی که خواند که در شان آن خذ من القرآن
ما شئت لما شئت واقع است اما تمام خواندن قرآن در هفت روز بر این
ترتیب اسرع در اجابت است روز جمعه از فاتحه تا آخر مائده و روز شنبه از انعام
تا آخر توبه و روز یکشنبه از یونس تا آخر مریم و روز دوشنبه از طه تا آخر قصص
و روز سه شنبه از عنکبوت تا آخر صاد و روز چهارشنبه
از زمر تا آخر رحمن و روز پنجشنبه از واقعه تا آخر قرآن چون ختم
کند سجده نماید و از حضرت حق تعالی مطلب خود خواهد و از سور و آیات
هر چه و بعضی موافق مطلب خواهد بیابد و از مشایخ عمل آن نیز ثبوت

یافته بود و اختیار آن اولیٰ و انسب است چنانچه ختم سوره فاتحه و سوره یٰس و سوره
اخلاص که برای هر مطلب کافیست و آنچه در باب حصول مطلب خواه جلالی باشد خواه
جمالی در حکم کبریت احمر است و اسم اعظم شمرده اند آیت کریمه لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ
اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ کرسول علیه السلام فرموده که این دعاء ذوالنون علیه
السلام است که در شکم ماهی دعا کرده بود و دعا نمیکند باین آیت هیچکس از مسلمان
در امری که باشد مگر که قبول میشود دعا وی الحق که این دعوتیست بغایت
مجرب التاثیر و نهایت سریع الاثر است و در هر باب که هر که خواهد بدین آیه
کریمه دعا کند و مشایخ بر سرعت تاثیر و عدم تخلف آن اجماع و اتفاق دارند
و طریق آن بانواع متعدده ذکر کرده اند آسان ترین انواع آنست که تا دوازده
روز بنیت حصول مقصود دوازده هزار بار بخواند و اگر تواند یکهزار و دو صد بار بخواند
اول و آخر چند بار درود لازم گیرد و طریق دیگر آنست که تا به یک لک بست و
پنجهزار بار بخواند بهر حال در قوة و تاثیر آن شک و ریب نیست که هیچ عملی که ثبوت
آن هم بقرآن هم بحدیث و هم باقوال مشایخ باشد غیر ازین یافته نمیشود که در شان
آن فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ وَ نَجَّیْنٰهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِیْنَ منصوص است
فضیلت بدانکه استغفار کردن آمرزش خواستن از حق سبحانه و تعالی بهترین اعمال
است و در قرآن مجید و فرقان حمید وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ و اَسْتَغْفِرْ لَهُمْ زیاده
از حد وعید وارد شده رسول خدا صلعم فرموده خوشی و خوبی کسی راست که یافته
شود در نامه اعمال او استغفار بسیار و استغفار کننده از گناه از خود پاک شود گویا
هیچ نکرده است و فرمود که توبه کنید و استغفار نمائید که هر آئینه من توبه میکنم

۲۹

در هر روزی صد مرتبه و فرمود که هرگاه بنده اقرار میکند بگناه خود و رجوع مینماید باید تعالی با مرزش ذنوب خویش ببخشاید الله تعالی بروی و فرمود که هر که مداومت نماید بر استغفار هر تنگی دین و دنیا را حق تعالی بروی آسان گرداند و بغیر گمان روزی رساند و فرمود که سید الاستغفار و بزرگترین همه اینست اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّیْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِیْ وَاَنَا عَبْدُكَ وَاَنَا عَلٰی عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ اَبُوْءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَیَّ وَاَبُوْءُ بِذَنْبِیْ فَاغْفِرْ لِیْ فَاِنَّهٗ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ هر که در روز گوید و بمیرد بهشتی گردد و هر که در شب گوید و بمیرد نیز بهشتی گردد و فرمود هر که در مجلسی نشیند و لهو بسیار از وی سرزده شود پس بگوید در آخر مجلس خویش سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ اَشْهَدُ اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوْبُ اِلَیْكَ بخشیده شوند گناهان وی که دران مجلس واقع شده باشد پس لازم است بر هر مسلمان که همیشه استغفار بر خود لازم گیرد که رسول علیه السلام با وجودیکه بخشیده بود جمیع گناهان او هر روز صد بار توبه و استغفار میکردند **فضیلت** درود فرستادن بر محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بزرگترین طاعات است که صَلُّوْا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا حضرت حق تعالی میفرماید و علیه الصلوة والسلام فرمود هر که یکبار بر من درود فرستد رحمت فرستد بروی الله تعالی ده بار و بلند گردانیده شود او را ده درجه و دور نموده شود از نامهٔ اعمال او ده بدی و نزدیکترین مردمان از من روز قیامت کسی خواهد بود که درود بر من بسیار فرستاده باشد و احق بشفاعت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم کسیست در روز قیامت که درود بسیار فرستاده است بروی **فضیلت** قاعده کلیه

در باب طاعات و عبادات آنست که هر عملی و فعلی که دران یکی ازین صفات باشد موجب
ثواب و باعث اجر میگردد سبب باشد مر ذکر الله تعالی را و دوستی و تعظیم انبیا و احکام
وی را و مذکر بود باحوال عاقبت و امور آخرت و باعث بود بر نفع خلق الله و رفع ایذا
از ایشان و دور کننده باشد از اوصاف رذیله مثل بغض و حسد و کبر و ریا و طمع و
حب دنیا و غفلت از عقبی و غیبت و کذب و نمیمه و فحش و لغو و نزدیک گرداننده بود
بصفات جمیله چنانچه صبر و توکل و رضا و تسلیم و ذکر و فکر و قناعت و امثال ذالک هر فعلی
و هر عملی که دران یکی ازین امور یافته شود موجب اجر آخرت میگردد اما بشرطیکه
بوجهی از وجوه منع شرعی دران وارد نشده باشد و مقرون بود به نیت صحیح که هیچ
عملی بدون نیت قلب مقبول نمیشود که حدیث إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ
نص قطعی است

باب چهارم در بعضی مصالح و حکم ضروریه

باید دانست که آدمی را مادامی که در قید حیات است از ضروریات بشریه مثل خوردن
و آشامیدن و ستر پوشیدن و نکاح کردن و مکان جستن ناچاریست و هر یکی را ازین امور
افراط است و تفریط افراط آنرا نهایت و نه تفریط آنرا غایت پس لازم آنکه در جمله امور
خود توسط اختیار نماید که خَیْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا واقع شده و میانگی و میانه روی
هر چند موافق مراتب اشخاص ست و بساچیز ست که در حق یکی افراط است و در حق دیگری
اعتدال بلکه تفریط پس احوال و اطوار بنی جنس و بنی قوم و بنی کسب و بنی حرفه را بقیاس
مقدار توسط شمارند و در طلب کسب زائد خود را در تعب و محنت بیفکنند و این اصلی است
شامل بر جزئیات متعدده ضروریه کثیره که ضبط آن موجب اطالت رساله میگردد
نصیحت هر عملی و هر فنی که خواهند کسب کنند و بیاموزند اول ضروریات

١٣١

آنرا واجب دانند اگر بعد تحصیل آن فراغ وقت دست دهد و دیدن کتب آن چنان
نشود که طلب الکل فوت الکل گردد مثلا در علوم مکتسبه اول فقه و حدیث و تفسیر و
عقائد و طب خوانند بعد از آن کتب عقائد و وسعت وقت حکمت و فلسفه و منطق پردازند
وقس علی ذلک نصیحت هرگاه که امری از امور و یا مهمی از مهمات روی نماید که بعقلای
آن فن که خیرخواه خود باشند مصلحت کنند و مشورت نمایند شاورهم فی الامر
و اعتقاد مشیر را باید که بغیر دیو و یا وهم کم کاست آنچه از خیر و شر و نفع و ضرر آن
دریابد و اشکاف بگوید المستشار مؤتمن بعد از آن اگر صلاح دیابد و دران امر با
اختیار نمایند والا ترک دهند و در یابند صلوة الاستخاره که ثبوت آن بحدیث صحیح است
خیلی نافع است باید که پیش هر کار سه روز دو رکعت نماز گذارد و بعد از سلام این دعا
بخواند اللّٰهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک بقدرتک و اسئلک
من فضلک العظیم فانک تقدر ولا اقدر و تعلم ولا اعلم و انت علام
الغیوب اللّٰهم ان کنت تعلم ان هذا الامر خیر لی فی دینی و معاشی
و عاقبة امری و عاجله فاقدره لی و یسره لی ثم بارک لی فیه اللّٰهم
ان کنت تعلم ان هذا الامر شر لی فی دینی و معاشی و عاقبة امری و
اجله فاصرفه عنی و اصرفنی عنه و قدر لی الخیر حیث کان ثم رضنی به
و بجای هذا الامر نام آن کار بگیرد اگر در حق وی بهتر باشد صورت گیرد والا برطرف
شود و این کار از مجربات نصیحت دو چیزیست او را هیچگاه از دست ندهد و
ترک نماید خواه مشکل باشد خواه آسان سهل باشد یا صعب یکی تدبیر
دوم استقلال نصیحت زندگانی چند روزه است

بدانند که آخر گذشتنی و گذاشتنی است از بهر دنیا با کسی عداوت و دشمنی نگیرند و کسی را
عیب نکنند و بد نگویند خصوصاً عیوب یکفرقه خاص به اعلانیه ذکر نکنند و تا توانند
بر کسی حسد نبرند و دروغ بیفایده بر زبان نیاورند و سخن بد کسی به کسی نرسانند و خود
از بخل و حقد و کین تا توانند پاک گردانند و بر آنچه رضای الله تعالی است راضی باشند و خود
از بزرگترین و کلان نشمارند و فخر و نخوت در دل راه ندهند و تا توانند در صلاح عالم بکوشند
و در میان هیچکس نقض و فساد نیندازند و در اکل حلال و صدق مقال و استقامت احوال
سعی کلی نمایند که سبب جمیع طاعات و رئیس جمله عبادات است و از کلمة الخیر در حق خویش و بیگانه
باز نمانند و به امر معروف و نهی منکر سعی بلیغ گمارند و اگر نتوانند به دل ناخوشدار باشند و
خود مرتکب آن نشوند نصیحت عقل و کیاست و فهم و فراست هرچند امر جبلی است اما
بکثرت تجربه و صحبت عقلا و کسب علوم عقلیه و استماع قصص و نصایح می افزاید پس باید
که چنان کوشند که هر روز قوای عقلیه خود را قوی می کرده باشند و خود را به تکلیف فکر
عقلا گردانند و در زمرهٔ سفها نگذارند نصیحت میباید که در جمیع اوضاع و اطوار پیرو
شرفا و صلحا و خوبان باشند و از صحبت و اوضاع اخلاف اگر نزان باشند نصیحت باید که در
هر امری از امور دنیا استعجال ننمایند و بغیر مشورت و تدبیر کاری نکنند نصیحت خود را معطل
و مهمل نگذارند کار عقبی بسازند و اگر بتوانند کار دنیا از دست ندهند نصیحت بوقت صبح
از خواب بیدار شوند و نماز گذارند و بر مصلای خود تا وقت طلوع آفتاب نشسته باشند و تسبیح
تهلیل و تکبیر بگویند و استغفار کنند و تلاوت قرآن شریف نمایند و آیات و ادعیه حفظ جان
و مال خود خوانده حرز کنند و نیکوترین آیات درین امر سی و سه آیات است و اگر نتوانند
بر سوره فاتحه و آیة الکرسی و چهار قل اکتفا نمایند

ورد او عبد بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا
فی السماء و هو السمیع العلیم سه بار خواندن بهترین چیزیست که حدیث
صحیح در فضل آن واقع است چون شام شود اطفال را بخانه در آرند و در صحن
بر آمدن ندهند چون شب در آید دروازه خانه را مقفل یا مسلسل گردانند و اثاثه و اوعیه
عزیز بنمایند چراغ بکشند و آتش سرد سازند و ظروف بپوشند و سلاح و عصا نزد خود
دارند و اگر توانند در موضع خوف مردمان را به نگاهبانی برگمارند و خود در جای محفوظ باشند
و بغفلت تمام نخوابند نصیحت چون وقوع محنت و بلا پیش آید بهر حیله که توانند کناره
کنند و اگر نتوانند آسان ترین آنرا اختیار نمایند من ابتلی ببلیتین فلیختر اهونهما
نصیحت ایام حیات و صحت خود را غنیمت شمارند بغیر ضرورت تام در مهلکه
اگر مریض شوند پیش طبیب حاذق بروند و اختیار در دست او دهند و در تدبیر وی هرگز
مخالفت ننمایند ولی بظهور خطای فاحش طبیب دیگر بطلبند نصیحت بغیر ضرورت کلی
در سفر نروند چون مسافر شوند بروز و ساعت نیک بر آیند و راه محفوظ مقرر کنند و در جمع قافله
و بدرقه و سلاح جنگ سعی کلی کنند و براه امن راه اختیار نمایند و اسباب ضروریه را چون
کارد و مقراض و بیل و کلند و تبر و سوزن و رشته و امثال ذلک همراه خود دارند چون
قافله و بدرقه کوچ نماید خود در میان باشند و چون در منزل فرود آیند همراه او بوند
هیچگونه جدا و تنها نگردند و بوقت شب در سفر احتیاط زیاده از حضر نمایند اگر توانند بعضی
ادویه ضروریه که اکثر بدان احتیاج افتد همراه دارند و سرمایه خود چنان باز نکنند که از
احوال آن تنگ آید و توشه خود را محافظت نمایند و اگر توانند زیاده از ایام سفر
بردارند شاید که سفر دراز گردد یا در منازل اتفاق اقامت افتد نصیحت

هر امری که پیش آید تامل آن را مطالعه کنند و ضروریات آن را بتفصیل تصور نمایند و پیش
احتیاج آماده گردانند نصیحت در صناعت و حرفت آنچه بیشتر ضرور در شود بهتر باشد
اختیار نمایند اگرچه محتاج نباشند و آموختن کسبی نیک و حرفتی پاک عار نکنند نصیحت
سعی بلیغ و کوشش کلی بران دارند که بر فنون و علوم ضروریه مطلع گردند و در هر امر
که وقوع آن بیشتر گردد تجربه و اطلاع بهم رسانند نصیحت علوم مجلس مثل خط و انشا
و شعر و قصص و لطائف غریبه و صناعات عجیبه و صفائی تقریر و قدرت تحریر و علم حساب
خوب بیاموزند نصیحت رعایت آداب گفت و شنفت و نشست و برخاست
هر جا و هر مکان ضرور و لازم است خصوصاً در مجالس عامه که در مرعی داشتن آن
جهد بلیغ نمایند و محافظت تمام کنند که هیچ سخن بیجا و حرکت لغو سرزد نشود
و در هیچ امری مخالفت اهل مجلس روا ندارند و رعایت مرضی رئیس آن را از اهم
ضروریات شمارند و اگر خود سالار مجلس باشند با حوال هر کس موافق قدر او در تعظیم
و تکریم رعایت کنند و بر ملا حرفی نگویند و فعلی نسازند که بر هیچکس از رئیس و خسیس
گران افتد نصیحت در شادی و غم و غصه چنان فعلی نکنند که بار دیگر ندامت
آن کشند و در وقت غضب عنان خود نگیرند چنان حرف سخت نگویند که اگر باهم موافقت
شود خجلت از ان کشند نصیحت لعن و فحش هرگز عادت خود نگیرند و اگر بامری قبیح
شرعی یا عرفی عادت شود به تکلیف ترک آن نمایند نصیحت عمده صفات محمود حلم و علم
و سخاوت شجاعت و عفت و عفو و حسن خلق و حیاست میباید که در تحصیل و اکمال
اینها کوشند اگر موصوف نباشند بتکلف متصف شوند که سعی و کسب را در هر امری دخلی عظیم
است اگر مجهول نباشند از مذلت و منزلت آن گو ما که امر جبلی میگردد نصیحت

صحبت علما و اتقیا را از دوست مندند و غنیمت شمارند که اکسیر اعظم و کبریت احمر است
هر کس که همنشین خود پیدا میکند نصیحت عیادت مریض و تعزیت مصاب
از خصال حمیده و محاسن اخلاق است و موجب اجر و باعث ثواب نصیحت بعد هر
راحت و نعمت الحمد لله رب العالمین گویند و پس محنت و مصیبت انا لله و انا الیه
راجعون خوانند و پس از آن گویند اللهم اجرنی فی مصیبتی واخلفنی خیرا
منها نصیحت آداب هر شغلی و فعلی چنانچه اکل و شرب و قیام و قعود و وصل و فصل و غیر
ذلک آنچه در کتب آداب مرقوم است همه بجا آرند نصیحت در غنای و اثر و فقر
تا توانند از اخلاق قدیم خود بر نگردند و بسبب دولت خود چندان ننازند و از غربت و فقر
خویش چندان ننالند که گردون گردانست و دهان جهان بیست ز هیچ و راحت
گیتی مرنجان دل مشو خرم که آئین جهان گاهی چنین گاهی چنان باشد نصیحت
ایام حیات خود غنیمت دانسته الدنیا مزرعة الآخرة شمارند و دل را به اعمال
نیک گمارند چون قریب به مرگ رسند بکثرت استغفار و تهلیل اشتغال خود نمایند و اهل
و عیال خویش را وصیت کار خیر و صبر و استقامت کنند و اگر فضل باریتعالی یار شود
و هر جان خود را بکلمه لا اله الا الله سپارند خاتمه اما بعد میگوید بنده درگاه
کریم محمد اهل الله بن شاه عبد الرحیم که باعث بر تصنیف این رساله و تالیف این مقال
آن شد که طلب علم بر هر مسلمان فرض است و هم از تحصیل آن نهایت قاصر
اند بنا بر آن مناسب چنان نمود که ضروریات عقائد و فقه و فضل فضائل اعمال
و نصایح و حکم علی سبیل الایجاز و الاختصار در اوراق چند مرقوم گردد تا هر که
خواند در عرصه قلیله و ایامی معدوده بتحصیل آن فائز شود و چون بعون الله

تعالی این مقدمه در ابواب اربعه صورت ارقام تمام گرفت و پیرایه ...
نام آن چهار باب تعیین یافت ❁ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اَوَّلًا
وَّاٰخِرًا وَّظَاهِرًا وَّبَاطِنًا

تمّت

تمام شد انطباع نسخه متبرکه چهار باب تالیف فردوس آرامگاه حضرت مولانا شاه اهل الله برادر شاه ولی الله محدث دهلوی مطابق نسخه که در بیت السلطنت لکهنو در مطبع مصطفائی طبع گردیده
مطبوع هر خاص و عام شد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ تَعَالٰی تِسْعَةً وَّتِسْعِیْنَ اِسْمًا مَنْ اَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ
در صحیح بخاری و مسلم از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مروی است که فرمود رسول خدا صلعم بدرستیکه خدا تعالی را است نود و نه نام که هرکه احصا کند آنرا داخل بهشت خواهد شد بعضی گفته اند که احصا عبارتست از مناجات باین نود و نه اسما حسنی او نزد بعضی حفظ نمودن این اسما مراد است چنانچه در روایت دیگر مَنْ حَفِظَهَا آمده یعنی هرکه حفظ کند آنها را و حافظ ابو عیسی ترمذی تفصیل آن اسما را هم روایت نموده چنانچه بیان میشود هُوَ الَّذِیْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اوست خدا آنچنان خدائیکه نیست مستحق عبادت مگر او الرَّحْمٰنُ بسیار بخشنده الرَّحِیْمُ نهایت مهربان الْمَلِکُ متصرف در ملک ظاهر و باطن

[illegible] از عیبهاست منزه از همه عیبها و نقائص اَلسَّلامُ سالم از هر عیب و آفت
اَلْمُؤمِنُ امان دهنده مومنان از عذاب یا بمعنی خالق ایمان اَلْمُهَیْمِنُ نگاه
کننده و نگهبانی هر چیز اَلْعَزِیزُ غالب بی همتا اَلْجَبَّارُ صاحب کبریا و جبروت یا جبر
کننده خلق بهر چه خواهد اَلْمُتَکَبِّرُ صاحب کبریا و عظمت اَلْخَالِقُ هست کننده چیزها اَلْبَارِئُ
آفریننده چیزها بی نمونه یا آفریننده جانداران اَلْمُصَوِّرُ صورت نگار خلق اَلْغَفَّارُ بسیار بخشا
آمرزنده اَلْقَهَّارُ غالب بر هر چیز اَلْوَهَّابُ بی عوض بسیار بخشنده اَلرَّزَّاقُ روزی
دهنده مخلوقات اَلْفَتَّاحُ نیک گشاینده ابواب رزق و رحمت یا حاکم در میان عباد
اَلْعَلِیمُ نیک دانا بهمه چیز اَلْقَابِضُ تنگ کننده روزی بحکمت و مصلحت اَلْبَاسِطُ
گشاده سازنده روزی بجود و رحمت اَلْخَافِضُ پست گرداننده متکبران اَلرَّافِعُ
بلند گرداننده مومنان اَلْمُعِزُّ عزت دهنده اَلْمُذِلُّ ذلت دهنده اَلسَّمِیعُ نیک شنوا
اَلْبَصِیرُ نیک بینا اَلْحَکَمُ نیک حکم کننده اَلْعَدْلُ دادگر که بهوای نفسانی جور
نمی کند اَللَّطِیفُ باریک بین یا رساننده مرادهای بندگان بنرمی و رفق
اَلْخَبِیرُ با خبر از گذشته و آینده اَلْحَلِیمُ بردبار که در عقوبت عاصیان تعجیل نمیکند
اَلْعَظِیمُ بزرگوار مطلق اَلْغَفُورُ نیک آمرزنده اَلشَّکُورُ قدردان شاکران
یا اندک پذیر و بسیار دهنده اَلْعَلِیُّ برتر از همه که همه کس برتبه از وی کمتر اند اَلْکَبِیرُ
فائق بر همه چیز اَلْحَفِیظُ نگهدارنده خلق از مکروهات اَلْمُقِیتُ توانا بر روزی دهنده
اَلْحَسِیبُ کفایت کننده مهمات یا حساب گیرنده از بندگان در روز قیامت
اَلْجَلِیلُ بزرگوار مطلق بی نیاز اَلْکَرِیمُ بزرگوار یا صاحب کرم اَلرَّقِیبُ نگهبانی
که چیزی از حفاظت او غائب نباشد اَلْمُجِیبُ قبول کننده دعای بندگان

۳۸

اَلْوَاسِعُ فراخ است عطا و رحمت و علم او اَلْحَکِیْمُ استوار کار

بندگان اَلْمَجِیْدُ صاحب بزرگی و شرف اَلْبَاعِثُ فرستندهٔ رسولان زنده

کننده مردگان اَلشَّهِیْدُ حاضری که غایب نگردد اَلْحَقُّ متحقق الوجود یا سزاوار

خداوندی اَلْوَکِیْلُ آنکه کار خود با او باید سپرد اَلْقَوِیُّ توانایی که عجز او را نیست

اَلْمَتِیْنُ استوار که هیچ کار بوی مشقت نرسد اَلْوَلِیُّ یاری دهنده یا متولی کار بندگان

اَلْحَمِیْدُ ستوده شده که سزاوار تمامی ثناهاست زیرا که او بجمیع کمالات موصوفست اَلْمُحْصِیْ

ضبط کننده هر چیز خرد باشد یا کلان اَلْمُبْدِئُ پیدا کننده چیزها از عدم اَلْمُعِیْدُ باز گردانندهٔ

خلق بسوی موت بعد حیاة و بسوی حیاة بعد موت اَلْمُحْیِیْ زنده کننده اَلْمُمِیْتُ میراننده اَلْحَیُّ

زنده دایمی اَلْقَیُّوْمُ قیام نماینده بتدبیر و حفظ خلق اَلْوَاجِدُ توانگر که محتاج نگردد

اَلْمَاجِدُ بزرگوار مطلق اَلْوَاحِدُ تنها بخدایی که نظیر وی محالست اَلْاَحَدُ

یکتا که یار و مددگار ندارد مثنوی احدست شمار از و معزول ؛ صمدست نیاز از و

معزول ؛ آن احدی که حس شناسد و هم ؛ آن صمدی که عقل داند و فهم ؛ اَلصَّمَدُ

بی نیازی که قبلهٔ حاجات است اَلْقَادِرُ توانا بر هر چیز اَلْمُقْتَدِرُ توانا که عجز باو

ره نیابد اَلْمُقَدِّمُ پیش کننده هر که خواهد اَلْمُؤَخِّرُ پس کننده هر که خواهد بمقتضای

حکمت اَلْاَوَّلُ پیش از همه ذات وجود اَلْاٰخِرُ باقی ماننده بعد فنای خلق اَلظَّاهِرُ

آشکار اَلْبَاطِنُ پنهان از چشم خلق یا آنکه حواس و عقول از ادراک کنه حقیقت وی

عاجزاند اَلْوَالِیْ مالک چیزها و تصرف کننده در آنها بتدبیر و قدرت اَلْمُتَعَالِیْ

فایق و برتر از موصوف شدن بصفات مخلوقات اَلْبَرُّ بسیار نیکوکار اَلتَّوَّابُ

قبول کننده توبهٔ تائبان اَلْمُنْتَقِمُ مکافات کننده عصیان بعذاب

...سنده و درگذرنده از گناهگاران اَلرَّؤُفُ سخت بخشنده و
[illegible] مَالِكُ الْمُلْكِ خداوند جهان یعنی متصرف در هرچه محل تصرف تواند بود
ذُوالْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ صاحب استغناء مطلق و انعام عام اَلرَّبُّ پرورد گار
خلایق اَلْمُقْسِطُ داد دهنده اَلْجَامِعُ فراهم آرنده پراگنده ها اَلْغَنِيُّ بی نیاز
مطلق اَلْمُغْنِيُّ بی نیاز گرداننده اَلْمُعْطِي عطا بخشنده اَلْمَانِعُ بازدارنده اَلضَّارُّ
ضرر رساننده هر کرا که خواهد اَلنَّافِعُ نفع رساننده اَلنُّوْرُ خود ظاهر و ظاهر کننده دیگران
اَلْهَادِي راه راست نماینده اَلْبَدِيْعُ آفریننده چیزهای بی نمونه اَلْبَاقِي
جاودان ماننده اَلْوَارِثُ ماننده بعد از فنا موجودات اَلرَّشِيْدُ راه نماینده
خلق براه راست بتدبیر اَلصَّبُوْرُ کسیکه تعجیل نمیکند در عقوبت عاصیان

فهرست چهار باب